

### ملت ایران فقط حکومت‌های ملی رامی پذیرد

دکتر علی امینی پس از یکسال و چند ماه نخست وزیری و ایراد نطق‌های پی در پی وضد و نقیض و تملق‌گویی و تشبیهات گوناگون و تعطیل عمدی مشروطیت به قصد تثبیت وضع متزلزل هیئت حاکمه و ادامه یافتن خلا فکارهای آن بالاخره مجبوراً استعفا کردید - اهمیت این پیش آمد که نشانه بارز وخامت وضع مملکت و متزلزل و اضطراب هیئت حاکمه و ناپایداری سیاست دولتها و کاملاً توخالی بودن اظهارات آنهاست وقتی بخوبی مجسم و عوید میشود که در نظر بگیریم که این آقای دکتر امینی درست عصر روزی که مجبوراً استعفا شد بود در (( جلسه بررسی مسائل و مشکلات اقتصادی )) که در تالار روزنامه اطلاعات تشکیل یافته بود مانند زمان قبل از استعفایش تمام دستگاهها و اصناف و اشخاصی که در پی فرصت برای نشستن بجای او بودند تاخته و ولتهای پیش از خود شرابا کنایه های بلیغ تر از تصریح بیاد انتقاد و تکذیب گرفته و از جمله گفته است: " اگر آقایان وضع مملکت ما را در نظر بگیرند و باد نیامقایسه کنند آنوقت میفهمند که ما چه اقدامات اصولی و اساسی کرده ایم - امروز اوضاع اقتصاد مملکت ما با توجه بیک سال و خردی قبل بتصدیق اشخاص غیر مغرض و اشخاص منصف در اردو به سلامت می رود! آقایان ما گرفتار بود چه هستیم اما بالاخره ما درین بست نخواهیم ماند و راهی برای حل بود چه پیدا خواهیم کرد " باز در این جلسه گفته است " البته اعلیحضرت همایونی با کیاست و فرستاد را حتی که در اردو نخواهند گذاشت تغییر در اوضاع سیاسی و اقتصاد مملکت بوجود آید بنده باید به آقایان اطمینان بدهم که یاس نداشته باشند - ما تابع و حافظ دموکراسی هستیم! " ( روزنامه های کیهان و اطلاعات مورخ چهارشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۴۱ )

کسیکه این سخنان را از قول نخست وزیر مجبوراً استعفا میخواند و اقعاد چارحیرت و تاسف میشود وی اختیار فکر میکند که کدام اقدامات اصولی و اساسی؟ و نتیجه آنها چیست؟ اگر اوضاع روسلا مت می رود و اگر درین بست نماند و اید و راه حل برای مشکل بود چه پیدا می کنید پس چرا ناگهان استعفا کردید و از نگویی این خوش آمد گویی و تملق چیست و چه قصدی از آن دارید؟؟ از طرف دیگر کدام دموکراسی را حافظ هستید؟ دموکراسی که در دوران آن مجلس شورایی ملی عمد تعطیل شده - روزنامه ها آزاد نیستند و آزادی عقیده بکلی از بین رفته - آخر این دموکراسی که شما ادعا میکنید حافظ و تابع آن هستید چه دموکراسی است؟ شیرینی دم و سرواشکم که دید؟ همچنین شیرینی خدایم نافرید - آقای دکتر امینی مکرراً از این حرفهای خلاف واقع زده و از این رجز خوانی ها کرده و بالاخره هم مجبوراً استعفا کرده است در حالیکه نه در خزانه بولی هست و نه سید آنکه بعد از این عواید اضافی بدست آید - نه اصلاحاتی بجائی رسیده و نه دولت مستعفی توانسته است در مقابل مشکلات مقاومت کند و نه بر آبروی هیئت حاکمه و دستگاههای قضائی و انتظامی و احترام آنها در افکار عمومی این دستگاهها باقی بود آنها در اثر سوابق و خلافا فکارهای خود او و اعضای دولتش که انتخابات یا تظاهر باین امتناع و در عین فرمان شرماده ای برآمدن و محاکمه حیرت آور با تهمات تصرف غیر قانونی در اموال دولت و آنها از بین رفته است - دکتر امینی باید

آیا راست است؟  
آیا راست است که حسینقلی کیانی متهم شماره یک پرونده سنا پیش از فرار به اروپا در منزل آقای دکتر خوشبین وزیر فعلی دادگستری و سناتور سابق مدتی مخفی بوده؟

چیزی بیفزاید بلکه اگر مختصر حیثیتی برای خیانت او ملک و ملت و بواسطه کوتاه نظری نمونه آنها پافشاری در امتناع از شروع حال قبول مسئولیت کردن در مقام و اجرای متهمین شیلات و سپهبد کیا و توقیف اشخاص ائتلاف در اثنای عمومی و غیره و بعد آزاد کردن

اعتراف کند که دولت او با عمه انتظاراتی که در داخل و خارج مملکت در کار بود بعاقبت اسفناکی انجامید - چرا؟ برای اینکه این دولت هم مانند دولت زاهدی و علاء و اقبال و غیره که پیش از او بودند در سایه عوسرانی و جاه طلبی و کوتاه نظری يك اصل ساده ولی مهم و اساسی را عمدتاً یا اجباراً از نظر دور داشته بلکه اصلاً فراموش کرد و آن اینکه در عصر کنونی تا در مملکتی آزاد نباشد و اراده و خواسته ملت مورد اعتنا و قبول قرار نگیرد و پشتیبانی صمیمی مردم جلب نشود محال است که بوضع دولتهای ثباتی بخشید و اطمینان اقدامی بنفع واقعی مملکت بعمل آورد و کاری انجام داد و اصلاحاتی که خواه و ناخواه مواجهه با مقاومتها و مخالفتها خواهد بود اجرا کرد - دولتهای فرمایشی و متکی بفرمان و پشت گرم سیاستهای خارجی و محتاج بقرضه های آنها همین است که ما در دوران دیکتاتوری دیده ایم و بیین این قبیل دولتهای چند ماه یا چند سال روی کار می آیند و مقداری ادعا و قلد ری بخن می دهند و کورفری ساختگی می کنند و بالاخره افتضاحات و خرابی های روی افتضاحات گذشته با می آورند و در آخر کار باورشکستگی از بین میروند یا از خدمت معافشان میکنند -

از نظر جبهه ملی ایران در ایران کنونی شرط اول موفقیت يك دولت آنستکه از عمارت قدم اول از روی کمال صمیمیت و بطور مطمئن آزادیهای فردی و اجتماعی ملت ایران را که در قانون اساسی تصریح شده است تامین کند سپس دنبال اقدامات دیگر برود - امروز در ایران هیچ آزادی نیست و مردم این سرزمین از تمام آزادیهای که قانون اساسی ایران و منشور ملل متفق ایجاب کرده است محرومند بلکه باقتضای سیاست های استعماری نفتی گرفتاری سخت و بی نظیر میباشند و فرمانروایان ایران که بر توسن لجام گسیخته خود کامگی و استبداد سوارند و بی پروا میتازند برای پوشاندن عیوب و مفاسد دستگاه خود و مشروع جلوه دادن خلافا فکارهاشان ضمن هم آهنگی با سیاستهای خارجی علناً و انمود و تبلیغ میکنند که ملت که نسال ایران فاقد رشد و تمیز سیاسی است و مصالح خود را تشخیص نمیدهد و شایستگی برخورداری از دموکراسی واقعی و آزادی را ندارد و همینکه از آزادی بهره ای ببرد چنان برانگیخته و آشفته میشود که دیگر نمیتواند خود را اداره کند و راه را گم میکند و در گرداب مضامرات گوناگون میافتد و اسیر ام فتنه و فساد میشود غافل از اینکه تبیه کارها و خیانتها و فساد خود آنان و بستکان و درود سته شان باند ازه ایست که بخوبی عدم رشد و تار مائی فکرونا شایستگی خود آنان را ثابت مینماید و مدلل میسازد که این طایفه اصلاً

از احساسات شریف ملی و وطنی و حتی گاهی از شرافت و عواطف بشری برمیباشند و محرکی جز سود پرستی و خود خواهی و برتری جوئی ندارند و برای تأمین بیشتر مطامع نابجای خود بمنتهای رجه بستی و حقارت و تقلب و تزویر و سببیت و حتی موافقت و سازگاری با استعمار بیگانگان و شرکت در دسایس آنان بر علیه منافع واقعی ملت ایران تن در میدهند. ملاحظه کنید که هیئت حاکمه ایران در مدت نه سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۳۲ همه چیز داشت. زور داشت پارلمان فرمایشی چشم بر حکم و گوش بر فرمان داشت. دو دست عزار سرنیزه ناز بر روی دست و سیراب شده با خون دل ملت و مجهز با انواع وسایل برای بوجود آوردن صحنه‌های نظیر فاجعه اول بهمن ماه دانشگاه تهران داشت. امنیت داخلی و خارجی داشت و سیاستهای خارجی مساعد و پشتیبان نبودند و علاوه بر مالیاتها و عوارض گزاف ملیونها دلار از درآمد نفت عاید شد و ملیونها دلار کم کرد و ملیونها دلار دیگر برای ملت فقیر ایران قرض بالا آورد و با اینهمه ده یک برنامه عمرانی با اصطلاح مشعشعی را که برای فریب دادن مردم ایران ترتیب داد بود عملی نکرد و نتوانست که در وضع کار ادارات کشور اصلاحی بعمل آورد و سطح بهداشت و فرهنگ را بالا ببرد تازه شروع کرده بودند باینکه فرهنگ و بهداشت را بخود مردم واگذار کنند یعنی آنها مالیاتها و عوارض گزاف را بگیرند و مصرف سرنیزه‌ها و تانکها و مسلسل‌ها بخرسانند ولی هزینه فرهنگ و بیمارستانها و مهد اربهار خود مردم بپردازند. پیداست که چنین هیئت حاکمه‌ای که با تقلب از محل درآمد گوشت و ارزاق عمومی حزب بسازد و برای آن باشگاه دایر کند و از این راه عده‌ای هوچی. دزد و دغل را بکرسی‌های پارلمان بنشانند و کار افتضاح انتخابات را بجائی برسانند که مجبور بباطل کردن آن بشود و نیز برای موافق و پشتیبان در دست کردن جیب مستشارها و مقاطعه کاران خارجی و داخلی را بپر کنند و حسابهای کلان در بانکهای آمریکا و سوئیس و انگلستان داشته باشد و مملکت را ببورشکستگی بکشاند تا آنجا که با قرار دکتر امینی دولت او بواسطه اینکه امریکائی عاقرض نمیدهند مجبور با استعفا گردد جز خشم و نفرت عمومی ملت حاصل و انداخته‌ای نخواهد داشت. آیا اینهمه برای ثابت کردن بی‌عرضگی و بی‌لیاقتی و عدم رشد و صلاحیت کارکردن آنان این دستگاه کافی نیست؟ این آقایان نخست وزیران و وزیران دوران - دیکتاتوری اگر خودشان فاسد و تهی مغز نیستند و واقعا چه اجباری دارند در حالی که هیچ قدرتی ندارند و هیچ قسم اختیار که حق آنان است بآنها داده نمیشود و قوای اجرائی در دسترس و اطاعت آنها نیستند در مقابل ملت ایران و نیائی که ناظر کارهای آنهاست قبول زمامداری بکنند و مسئولیت را بر عهده گیرند بدون داشتن اختیار و اقتدار قبول مسئولیت کردن کار آدم عاقل نیست این آقایان بر حسب قوانین اساسی ایران که بدو ادعای تابعیت و حفاظت آنرا دارند محکوم و مستحق مجازاتند. سخن کوتاه این ملت ایران نیست که رشد ندارد این هیئت حاکمه است که جلوی آزادی و ترقی و پیشرفت ملت ایران را گرفته و اسباب بدبختی و فقر و تیره روزی او شده است. خوشبختانه دیگر ملت ایران بشمار رویدار است و حقایق را خوب درک میکند و با قاطعیت تمام خواهان آزادی واقعی یعنی آزادی فکر و قلم و بیان و آزادی اجتماعات و آزادی اعمال نظر در امور وطن خود و آزادی انتخاب نمایندگان در لخواه خود برای مجلس شورای ملی و رهائی از یوغ استبداد و خودکامگی میباشند و بخیمه شب بازیهائی که تحت عنوان دولت و بنام اداره امور در زراد و بوم او صورت میگیرد بنظر استهزا و خشم و نفرت می‌نگرد. اکنون وقت آنست که باین صحنه‌ها خاتمه داده شود و اصل حکومت مردم بر مردم بدستی اجرا گردد. جبهه ملی بیروی از خواسته بحق ملت ایران ببارد بگر لزم انتخابات آزاد را خاطر نشان میکنند. انتخاباتی که در آن بدست وزیر کشور و رکن ستاد ارتش تهیه شده و بتصویب مقامات عالیله نرسیده باشد. انتخاباتی که استانداران و فرمانداران دغل و مامورین سازمان امنیت در آن مدخله نکرده و کاندیداهای ملی آنرا قبلا بحسب و تبعید و خانه نشینی محکوم نکرده باشند. انتخاباتی که با آزادی کامل مطبوعات و اجتماعات همراه باشد و نیز متذکر میشود که بدون چنین انتخاباتی بدون استقرار حکومت قانونی و مطابق با قانون اساسی هر نخست وزیر و وزیر و وزیری که منصوب شود و عرد ولتی که روی کار بیاید از عهد جلوگیری از فساد و اصلاح دستگاه اداری کشور و تعدیل بودجه و برقرار ساختن عدالت اجتماعی بر نخواهد آمد و وضع ایران و خوازمیانه که ایران چهارراه و مرکز نقل آن محسوب میشود بطور اطمینان بخش آرامش پذیر و ثبات نخواهد بود. هدف جبهه ملی ایران استقرار حکومت قانونی است.

بزرگداشت ۳۰ تیر روز همبستگی مردم ایران

از آنجا که تجدید خاطرات بزرگ امیدهای بزرگ میپروراند - از آنجا که یاد بود قهرمانیها قهرمان میآفریند ملت ایران نه تنها ۳۰ تیر روز همبستگی مردم ایران - روز شکست استبداد - روز پیروزی آزادی را هرگز از یاد نمیبرد بلکه همه ساله در این روز بزرگ خونهای را که بخاطر حقیقت و آزادی بناحق بدست عمال فرومایه استعمار و مزدوران بلید استبداد ریخته شده در نظر آورده و مردم را بآتش زاری برآورد و نظام منحط و پوسیده استبداد را بوقرعه نوکری شجاعانه قد برافراشتند و پرچم آزادی و حق و عدالت را بانثار جان خود باهتزاز درآوردند و حکومت ملی پیشوای عالیقدر مردم ایران دکتر محمد مصدق را مجدداً مستقر کردند صمیمانه میستایند. در ۳۰ تیر امسال مانند سالهای گذشته مردم وطنخواه و مبارزان ایران بندای جبهه ملی ایران پاسخی مثبت داده با اجرای برنامه ماده ۶ تعیین شده از طرف جبهه ملی خاطر قهرمانی ۳۰ تیر روز قیام مقدس ملی را گرامی داشتند و خطر دلاوریها و فداکاریهای شهیدان ملی را زنده کردند.

۱- جبهه ملی ایران در نظر داشت مانند سال گذشته در این روز میتینگی برگزار کند و ضمن بزرگداشت ۳۰ تیر باریکتر خواست ملت را در خصوص استقرار آزادی و آغاز انتخابات آزاد و برقراری حکومت قانونی اعلام و تشریح کند متاسفانه سازمانهای انتظامی پس از چندین روز معطلی بتقاضای جبهه ملی پاسخ منفی دادند.

۲- ناچار جبهه ملی برنامه دیگری برای تجلیل و شادمانی روان شهرت ایران را راه استقلال و آزادی مردم تنظیم کرد. برنامه جبهه ملی ایران برای بزرگداشت روز تاریخی ۳۰ تیر عبارت بود از تدوین و توزیع وسیع اعلامیه ۳۰ تیر - توزیع وسیع تراکت‌های منتشره از طرف سازمانهای جبهه ملی - نثار دسته گل و سیله باریک از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی بطور دسته جمعی در ساعت ۶ بعد از ظهر روز ۲۹ تیر بر مزار شهیدای ۳۰ تیر - یک دقیقه سکوت ایستاده در ظهر ۳۰ تیر و قرائت فاتحه برای شهیدای ملی - قدم زدن در خیابانها با پیراهن سفید و یقه باز با تفاق اعضا خانواده از ساعت شش بعد از ظهر ۳۰ تیر بعبود آتش افروزی و سیله کوه نور در ان جبهه ملی در ارتفاعات امامزاده اود - توپال - شاه آباد که باشکوه و عظمت خاص و سکوت کامل اجرا شد. مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ برنامه در تمام شهرستانها اجرا گردید و مواد ۳ و ۶ برنامه فقط در تهران اجرا شد. اجرای این برنامه بیسابقه که در حقیقت

نوعی مبارزه منفی محسوب میگردید با وجود سکوت و رعایت آرامش مخصوص بخود هیئت حاکمه ضد ملی را بوحشت انداخت بطوریکه از صبح ۲۹ تیر این بابیه مدفن شهید اروسیله مامورین مسلح انتظامی محاصره کرده و در ای آنجا را بسته و مانع ورود مردم بخورستان و زیارتگاه عمومی شدند و نگذاشتند که اعضای شورائی مرکزی جبهه ملی دسته کلمه را بر مزار شهید انثار کنند و نیز مامورین مسلح انتظامی چه در موقع توزیع اعلامیه و تراکت و چه در هنگام اجرای برنامه قدم زدند با پیراهن سفید ناجوانمردانه و ای از اعضای آزاد و مبارز جبهه ملی را برخلاف قانون دستگیر و توقیف کردند و حتی وقاحت را بجائی رساندند که بساحت استاد محترم دانشگاه و دانشمند معظم و عضو شورائی مرکزی جبهه ملی جناب آقای دکتر صدیقی جاسارت کردند و معظم له را نیز توقیف و بکلانتری و شهر ریانی جلب کردند و اغلب گام زنان آرام را مضروب و مصدم کردند. خوشبختانه آقای دکتر صدیقی را پس از سه ساعت آزاد کردند ولی آزادگانی دلیربا سامی زیر هنوز در زندان قزل قلعه زندان استبدادی بسر میبرند:

از دانشجویان و دانش آموزان آقایان رضا قنادیان - دوشنگ حسینی - تراب مفیدی - حسنعلی ذهاب - علی ناظران - حسن وطنخواه - سعید ساعی - پرویز شقاقی - سید شمس الدین مجابی - نعمت الله عیوض محمدی - محمد حمزه ای .  
از سایر طبقات آقایان مهندس حسن خسروی زاده - فرخ قالیچه چیان - محمد درخشنده - سیروس تجلی بخش - ساکو گورکیان - امیر شیراز - ابوالحسن شریفی - حسین خیرخواه - حسین آخنگری .

### تلاش آزاد یخواهان در پاکستان

علیرغم تمام ادعاهای رژیم ایوب خان در مورد اعاده حکومت دموکراسی در پاکستان هفته گذشته عبد القیوم خان نخست وزیر سابق ایالت شمالی آن کشور بازداشت گردید . متعاقب بازداشت وی نود تن از نمایندگان مجلس شورایی جدید پاکستان جلسه مجلس را بعنوان اعتراض ترک کردند . طبق اطلاع عبد القیوم خان در یک میتینگ عمومی گفته بود که آثار رژیم نظامی و پلیسی هنوز در پاکستان باقی است و دموکراسی حقیقی و واقعی وجود ندارد و افراد رامیتوان طبق قوانین و مقررات من در آوردن و خلق الساعه بازداشت نمود در حالیکه در پاکستان بایستی مثل انگلستان اشخاص را فقط با حکم دادگاه صالحه بازداشت توقیف کرد . عبد القیوم همچنین گفته بود که سیاست خارجی پاکستان این کشور را در تنگنا قرار داده و موجب انزوای سیاسی وی گردیده بطوریکه پاکستان امروز فاقد دوستان حقیقی است . بدیهی است این انتقادات برای رژیم نظیر حکومت ایوب خان که مدعی است دموکراسی را پاکستانیها بر بردانده ! گران آمده و دستور جلب عبد القیوم خان را داده است .

### کنگره بین المللی دانشجویان

کنگره بین المللی دانشجویان با شرکت نمایندگان دانشجویان هشتاد کشور از ۲۷ ژوئن ( ششم تیرماه ) تا ۸ ژوئیه ۱۹۶۲ ( ۱۷ تیرماه ) در شهر کبک در کانادا تشکیل گردید و برای اولین بار نمایندگان کنفدراسیون دانشجویان ایرانی که فعلا مقرآن در نیویورک است و توسط دانشجویان ایرانی مقیم امریکا و اروپا اداره میشود در این کنگره شرکت نمودند . در اولین جلسه کنگره عضویت ایران با اتفاق آراء بتصویب رسید سپس گزارش مفصل هیئت اعزامی که چندین پیش از طرف دبیرخانه کنگره بایران آمده بود در راجع به وضع دانشجویان در ایران و نقش آنان در نهضت آزادی طلبی ایران و فجاج اول بهمین درد انشگاه تهران تهیه نموده بود در کنگره مطرح گردید . از وقایع مهم دیگر این کنگره پیشنهاد نماینده دانشجویان الجزایر برای ارسال یک تلگراف اعتراض آمیز بدولت ایران بود که با اتفاق آراء بتصویب رسید در این تلگراف کنگره درخواست آزادی استادان و دانشجویان زندانی در انشگاه تهران را داشتند .

### همدردی دانشجویان ایرلند با دانشجویان ایران

شورای دانشجویان ایرلند در جلسه اخیر خود از دانشجویان در انشگاه تهران تجلیل شایسته ای بعمل آوردند و طی قطعنامه ای اعتراض آمیز بسفارت ایران در لندن و برای دولت ایران ارسال نمودند - متن قطعنامه مذکور بقرار زیر است :

" شورا عملیات اخیر دولت ایران را در محروم کردن دانشجویان آن کشور از آزادی فکر و عقیده تقبیح کرده و اثرات عمیق خود را نسبت به جریاناتی که " منتج بکشته شدن یا مجروح شدن تعداد کثیری از دانشجویان تهران شد ابراز امیدارد . شورا هیئت اجرائی را مامور می نماید که با مقاد مربوطه ایرانی " تماس گرفته و خواستار تجدید حیات بلاد رنگ زندگی عادی اجتماعی - تحصیلی و علمی دانشجویان ایرانی شده و آزادی فوری زندانیان را بخواند "

### تشکیل کنگره جبهه ملی ایرانیان مقیم آمریکا

بقرار اطلاع کنگره جبهه ملی ایرانیان مقیم امریکا در روزهای سوم و چهارم ژوئیه ۱۹۶۲ ( دوازدهم و سیزدهم تیرماه ) در شهر نیویورک تشکیل گردید و با موفقیت تمام خاتمه یافت در این کنگره شورائی مرکزی و هیئت اجرائیه سازمان امریکا انتخاب شدند .

بانکه ای ملی و مرکزی حقوق کارمندان زحمتکش خود را پایمال میکنند

بقرار اطلاع مدتی است که اولیای بانکه های ملی و مرکزی بعنوان مختلف حقوق حقه کارمندان محروم و زحمتکش خود را که حقا از فهاالتیرین و زحمتکشترین کارمندان دولت محسوب میشوند پایمال میکنند . بطور مثال از اول سال جاری طبق بخشنامه معروف به (( خواربار سه ماهه اول )) حق کم اشتبه کارمندان بانک مرکزی و ملی را کسر کردند و در نظر دارند که از حقوق عیال و اولاد کارمندان نیز در آینده کسر کنند . کسرها حقوق کارمندان بیهوده صرفه جوئی و جلو گیری از زیان بانک ملی صورت میگیرد و کسرها حقوق کارمندان بانک مرکزی برای جلوگیری از اعتراض بانک ملی و با اصطلاح عدم تبعیض صورت گرفته است . استدلال مدیر کل بانک ملی اینست که چون حق کم اشتبه شامل آنهاست میشود که حقوقشان زیاد است کسر آن مانعی ندارد در حالیکه چنین نیست و آنها بیکه حقوقشان زیاد است اغلب روسای بانک ویا نور چشمی هائیکه عناوین بازرسی عالی و مشاورانند میباشند که بعنوان مختلف حق مقام - هزینه ایاب و ذهاب -

باد اشرف و فوق العاده پولهای کلان نصیبشان میگردد و حق گماشته در برابر این مزایا مبلغ بسیار ناچیزی بشمار میرود. بنابراین در اینجا کارمندان فعال و با شخصیتی که حاضر به تشبث و بارتی بازی نمیشوند ظلم می بینند. و حقشان پایمال میگردد. اگر مردم هر کل بانک ملی علاقه بصرفه جوئی دارند خوبست از ریختن و پاشها و حیفات و میلیهای که بعناوین هزینه تزیینات و مهمانیهای باشگاه و پیرد اخت باد اشهای کلان صورت میگردد ممانعت بعمل آورد و صرفه جوئی را شامل حقوق ناچیز کارمندان زحمتکش و محروم و معیلسازد.

### نتایج شکست امینی

شکست مفتضحانه دولت امینی که با پشتیبانی خارجیان و بدون توجه بقانون اساسی و افکار عمومی بقدرت رسیده و تظاهر بانجام اصلاحات میگردد در واقع شکست فلسفه اصلاحات بدون مجلس بود. امینی در تمام دوره حکومت غیر قانونی خود ادعا میکرد که مسئول تمام بدبختیهای مملکت و بزرگترین مانع در راه انجام اصلاحات وجود مجلس و عدم از خوب یا بد بوده است. پس از چم ارد ماه تعطیل مشروطیت و زیر پا گذاشتن کلیه قوانین و مقررات امینی بالاخره ناچار شد اعتراف کند که شکست او کوچکترین ارتباطی با وجود پارلمان نداشته است. امینی اگر از روز اول نمیدانست بزودی دریافت که حکومتش با داد و بچران بزرگ روبروست. یکی آنکه در شرایط فعلی قوه مجریه به شعب مختلف تجزیه شده و رئیس ظاهری دولت بر تمام قوای دولتی مسلط نیست بطوریکه در اداره امور مملکتی هیئت دولت دارای قدرت و اختیار نبود و در هر زمان از طرف جناحهای مختلف قوه مجریه مورد تهدید و نافرمانی قرار میگردد. عدم توانائی امینی در تقلیل بودجه پاره ای دستگاهها بخصوص عدم دخالت او در تعیین هزینه های نظامی بهترین نمونه این ضعف و بی تکلیفی روسای دولتهای چند سال اخیر است. بر طبق قانون اساسی دولت باید مسئول همه امور اعم از لشکری و کشوری باشد اما در عمل دولتهای بی شخصیت و فرمایشی بزرگترین قسمت از اختیار را تحقوق خود را از کف داده و آلت فعل اراده های شخصی قرار گرفته اند بنابراین ناتوانی این دولتها از طبیعت حکومت آنها سرچشمه میگردد و تا موقعیکه بیشتر رشته های قدرت در دست هیئت حاکمه و صاحبان نفوذ است. دولتها باید داشتن قدرت کافی برای گرداندن چرخ مملکت را فراموش کنند و بطریق اولی از هرگونه برنامه های جاه طلبانه برای انجام اصلاحات و پیشرفت کشور چشم پوشند. جای تعجب نیست که دولت امینی و امثال او میکوشند تا سر خوردگی خود را در پیش بردن امور مملکتی با حرف زدن و سروصد اراه انداختن و صحنه سازیهای جوراجور جبران کنند. چون در برابر مردم نمیتوانند آشکارا اعتراف کنند که آلت بکار اراده ای پیش نیستند و در صحنه واقعیات نقش کوچکی بعهده دارند ناچار در سطح گفتارها و اویند از هابه فعالیت میپردازند. و البته این وقت و سرمایه یک ملت بیست ملیونی فقیر و ستمدیده است که در این گیرودار تلف میشود. علت اصلی شکست مفتضحانه امینی نداشتن تکیه گاهی در میان مردم بود حتی اگر امینی بر تمام دستگاهها و نیروهای دولتی مسلط میبود و تمام قدرتهای یک رئیس دولت واقعی را یکف میداشت باز هم شکست دولت او قطعی بود. گرداندن امور یک کشور و ولو بطور روزمره و بدون نقشه و برنامه اگر به رغم تمایلات مردم انجام گیرد کار آسانی نیست. تحمیل حکومت های ضد ملی بر مردم بوسیله سرنیزه مقدور نیست که دستگاههای مخوف نظامی گنونی نتیجه اجتناب ناپذیر آنست و نگهداری آن بدون صرف میلیارد ها تومان میسر نیست. اگر امینی میفکند که از هزینه های نظامی نباید کاست شاید بدین ملاحظه بود که از بی یاری و یاری حکومت خود در داخل مرزهای ایران اطلاع کامل داشت. مگر نه آنکه ملت ایران او را برنگزید بود و بزقوای انتظامی هیچ نیروئی در مقام حفظ حکومت او بر نمیآید؟ هزینه های نظامی هنگامت همیشه جز لاینفکی از دولتهای تحمیلی و غیر ملی است و اگر برای قویت این نیروها از خارج کمک نرسد سهم روز افزونی از منابع مالی کشور جایگزین کمکهای خارجی میگردد و از هر نوع کارهای عمرانی و تولیدی چشم پوشی میشود و فقر و فاقه زندگی را بر مردم تنگ تر میکند. و چون این نوع دولتها به حال مورد قبول مردم نیستند بجای همکاری با دولت مردم راه مبارزه منفی را پیش میگیرند و جواسی اعتنائی دولت بحقوق و واسطه های خود را با بی اعتنائی پاسخ میدهند در نتیجه هیچ کاری از پیش نمیرود و دولتهای دست نشاند غیر ملی یکایک مزه تلخ ناکامی را میچشند و از گرد و نه خار میخوردند. رفته رفته حتی عقب مانده ترین عناصر متوجه میشوند که کار ایران از حد و راه حل های شخصی و فردی گذشته است - فرد یا افراد هر چند بزرگ و با عوشر و ولایتی دارای حسن نیت هم باشند دیگر نمی توانند خارج از چم ارچوب راه حل های اساسی و در قالب یک سازمان وسیع سیاسی کاری از پیش ببرند. نیروهای سازنده مردم و حسن اعتماد و خوشبینی آنان را فقط موقعی میتوان تحریک و تجهیز کرد که رهبری سیاسی کشور بدست مردانی سپرده شود که عملاً از اعتماد و احترام انبوه خلق برخوردارند و سازمان و عقاید و نیروهای عظیمی در سراسر کشور متکی هستند. فقط این نیروی بزرگ سیاسی است که میتواند با مشکلات همه جانبه فعلی روبرو گردد و نجات دهنده ایران از خطر ورور شکستگی و سقوط باشد. دولت امینی برای بسیاری آخرین شانسی است که امید یک نظام کهنه و پوسیده بود. اکنون که این امید به یاس و آخرین شانسی یک شکست مفتضحانه دیگر تبدیل شد باید در انتظار اولیوی امید یک نظام تازه یعنی در انتظار روز پیروزی ملت ایران بود.

### قطع کمک هزینه تحصیلی دانشجویان ایران از کشور

اقدام استعماری و ضد ملی هیئت حاکمه در قطع کمک هزینه تحصیلی دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشورهای محدود کردن فعالیت آنها و تحت فشار قرار دادن دانشجویان آزاد به عکس العمل شدید عموم دانشجویان مواجه شد. فد را سیونهای دانشجویی در ممالک مختلف اعلامیه های ضد رکردند و به دستگاه حاکمه اخطار نمودند با اینگونه اقدامات مذبحخانه دست از وطنخواهی و مبارزه برنخواهند داشت و همچنان در راه اعتلای ایران بیکار خواهند نمود در هفته گذشته اعلامیه های فد را سیون دانشجویان ایرانی مقیم آلمان غربی و انجمن دانشجویان ایرانی آکادمی پزشکی و سلدورف بتهران رسید دانشجویان در این اعلامیه ها وفاداری خود را بهد فهای جبهه ملی اعلام داشته و چنین نوشته اند: با رسیدن اخبار از ایران و تهدید قطع ارز برای کلیه دانشجویان خارج از کشور بیکار دیگر دولت غاصب و غیر قانونی بخيال خود ضربه مهلکی بر بیکر قشر تحصیل کرده وارد آورده است..... نوکران خارجی امروز بیشرمی را بجائی رسانیده اند که در صد د تهدید اولیا دانشجویان برآمد و با اثر فتن ضمانت نامه و وکالتنامه های که نظیر آن در هیچ قانون شرعی و عرفی و بشری یافت نمیشود در صد برآمده اند که زنجیر اسارت و بردگی را بگردن اولیای دانشجویان انداخته و بدین ترتیب مبارزات دانشجویان را که در راه آزاد ی وطن و نجات ملت ستمدیده ایران است برای ابد خاموش کنند..... ما دانشجویان ایرانی مقیم آکادمی پزشکی و سلدورف در آلمان غربی متحد و متفقا سوگند یاد میکنیم با شهادت وجدان و شرافت خود تا آخرین لحظه بمبارزات ملی ادامه دهیم و در راه سعادت و پیروزی ایران عزیز یکدل و همگام قدم برداریم.....